روایتی از دیدار مردمی تولیت آستان قدس رضوی که حال‌وهوای گره‌گشایی داشت

نور امید در خانه خورشید

۱۳

خبرنگار
معصومه فرمانی کیا

دعوت برای دیدار با تولیت آستان قدس رضوی ناگهانی است. وسط یک روز شلوغ کاری خرداد که زنگ تلفن بلند می‌شود، مخاطب پشت خط سلام و احوال‌پرسی خلاصه‌ای می‌کند و می‌گوید: برای حضور در مراسم دیدار تولیت با مردم آماده هستید؟ همین اندازه کوتاه و منتظر پاسخ می‌ماند.

-- بازدید سرزده؟ این سؤال را ناغافل می‌پرسم. انگار متوجه این پرسش نیست و نمی‌شود. حرف خودش را ادامه می‌دهد و می‌گوید: فردا ساعت ۱۰ صبح، صحن بعثت منتظریم و تماس قطع می‌شود. دعوت با زهم غافلگیرکننده و ناگهانی است. اما من به فال نیک می‌گیرم همه چیز را و بیشتر از همه این دعوت را در چهارشنبه و روز زیارتی حضرت. تجربه همراهی با حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مروی را چندبار دیگر هم داشته‌ام، آن هم خارج از محدوده حرم مطهر امام هشتم(ع)؛ نشان به این نشان که در یکی دو سال گذشته اوشب یلدایش را با بچه‌های قدونیم‌قد آسایشگاه شهید فیاض‌بخش سر کرد. تأکید حاج‌آقا بر نکته‌ای با این مضمون که اجر و پاداش آن‌هایی که بر سر کودک یتیم دست می‌کشند بی‌حساب و کتاب است، هنوز توی گوشم زنگ می‌زند و دیدار بعدی بازهم ناگهانی جفت‌وجور شد و قرعه به‌نام ما افتاد تا در کوچه پس کوچه‌های یکی از محله‌های شهر همراهش باشیم. با دوسه پسربچه خردسال و بازیگوش که خانواده نداشتند اما تکیه‌گاه امن و محکمی پیدا کرده بودند و شادی‌های دنیایشان را زیر سقفی برده بودند که کوچک بود اما پدر و مادرشان دل‌بزرگ بودند و در خانه‌ای اجاره‌ای و کوچک، پذیرای سه فرزندخوانده. حالا قطعا چهارشنبه ویژه و حال‌خوب کنی خواهد بود. حساب و کتاب این خانه با همه‌جای دنیا فرق دارد.

۱ خدمت به مردم از چشم خدا پنهان نمی‌ماند

هنوز دقیق کم‌وکیف برنامه دیدارهای مردمی تولیت آستان قدس رضوی را نمی‌دانم. اما برخی چیزها را می‌توانم حدس بزنم؛ اینکه این دیدارها باید تا اذان ظهر تمام شود. روحیه مردمی بودن، اطرافیان به‌ویژه در حوزه‌های خدماتی آستان قدس را عادت داده است که این رویه را تمرین کنند و از خاطر نبرند. حاج‌آقا در هر فرصتی که فراهم می‌شود، این نکته‌ها را گوشزد می‌کند: «راه مجاهدت باز است و راه خدمت کردن هم. هرکه در هر جایی هست، می‌تواند بهترین خدمت‌ها را بکند و خدمت خالصانه هیچ‌وقت از چشم خدا پنهان نمی‌ماند. خودش اجر و مزدش را بی‌حساب و کتاب می‌دهد و شما فقط نیت کنید و بعد همت تلاش».

قرار دیدار مردمی امروز به قول من «بعثت» است؛ یک صحن دنج و جمع‌وجور درکنار صحن بزرگ آزادی. در هم تنیدگی قشنگی در صحن به صحن است؛ از تاریخ و جغرافیای آدم‌ها گرفته تا زیبایی، دوست داشتن و عشق و عشق و عشق که موج می‌خورد و دل می‌برد. حتما همه آن‌هایی که برای قرار امروزشان با تولیت گذرشان افتاده است حرم، حال خوشی دارند. «بعثت» خیلی دورتر از آن مسیر ورودی ام به حرم مطهر است. راه را پیاده گز می‌کنم و بیشتر برای تماشا کردن محیط اطراف. اما به چشم بر هم زدنی به محل اعلام شده می‌رسم. اتاق شماره ۱۰۴ خیلی سرراست است. همه چیز با یک سلام و احوال‌پرسی ساده و معرفی کوتاه شروع می‌شود. در اتاق ورودی، جمعیتی از زن و مرد برای دیدار نشسته‌اند و منتظرند. خیلی دلم می‌خواهد بدانم هرکدام به چه منظور اینجایند.

برخی‌هایشان چهره‌های آفتاب‌خورده دارند؛ روستایی و ساده و بی‌غل‌وغش.

خیلی‌هایشان این دعوت ناگهانی را باور نمی‌کنند و به خیالشان یک شوخی است. مثل آن زن که دغدغه برگشت به خانه را دارد. چند بچه معلول را منزل گذاشته و وقتی برای این دیدار خالی کرده است. هراس و اشتیاق را با هم دارد. می‌خندد و می‌گوید: چند روز پیش از آستان قدس زنگ زدند و گفتند فلان روز می‌توانم با حاج‌آقا حرف بزنم اما باورم نشد. اولش فکر می‌کردم سرکاری است و کسی قصد اذیت کردنمان را دارد تا اینکه دوباره زنگ زدند و برای وقت ملاقات یادآوری کردند. انگار این بار حجت بر او تمام شده بود اما شک و دودلی هنوز در حرف‌هایش هست. همان طور بی‌تکلف و ساده صحبتش را ادامه می‌دهد: «من جور دیگری شنیده بودم؛ اینکه راحت نمی‌شود هیچ مسئولی را پیدا کرد، چه برسد به اینکه بخواهم با تولیت حرف بزنم. ما در حد این‌ها نیستیم و خودمان هم باور کرده‌ایم. به نظر شما حالا می‌توانیم حاج‌آقا را ببینیم؟». اتاق پر از آدم است. اشاره‌ای کوتاه به آن سمت می‌کنم و می‌گویم ببینید همه مثل شما هستند. خودم از حاضرجوابی‌ام تعجب می‌کنم. دوست دارم ادامه ماجرا را از زبان خودش بفهمم: «سه فرزند نابینا و کم‌بینا دارم. دختر بزرگم کم‌بیناست و احتیاج به عمل ستون فقرات دارد و تجویز پزشک این است که زود بجنبیم؛ وگرنه خیلی دیر می‌شود. از این حرف دکتر ترسیدم که خدای نکرده اتفاقی برایش بیفتد. چهل و دوساله است و اگر نتواند راه برود، اوضاع و خیم‌تر می‌شود. دستور دکترش را بردم بیمارستان. دلم نمی‌خواهد زمان را از دست بدهم. اما هزینه‌ای که اعلام کردند، خیلی بالاست. چندتکه کوچک طلا برای فروش دارم و روی آن حساب کردم ولی پولی که برای درمان می‌خواهند، خیلی بیشتر است و هرچه فکر کردم، دیدم توانم به هزینه جراحی نمی‌رسد. ناامید شدم. می‌خواستم ادامه درمان انصراف بدهم. برخی از آدم‌ها را انگار خدا جلوی پای آدم می‌گذارد» و بعد گوله‌گوله اشک روی چهره‌اش می‌سرد و پایین می‌آید: «خانمی که خدا خیر دنیا و آخرت به او بدهد، مثل فرشته‌ای بود که خدا فرستاد؛ توی بیمارستان کنارم کشید و گفت: ناامید نشو و برو از امام رضا(ع) کمک بخواه و بعد توضیح داد و راهنمایی‌ام کرد که چه‌کار کنم. دروغ نباشد، روز اولی که برای زیارت آمدم، خیلی به حرف آن زن امید نداشتم. می‌دانید؛ به خیلی‌ها رو انداخته بودم. تهش فقط خجالت برایم ماند. آدم دستش خالی باشد، خیلی بداست. خیلی. خدا هیچ‌کس را محتاج خلق نکند و دیگر دستم جلوی کسی پیش نمی‌رفت. آن روز هم رفتم به همان آدرسی که آن خانم توی بیمارستان داده بود و گفتم یک تیر توی تاریکی است و بازهم امید نداشتم. چند روز بعد زنگ زدند و حالا اینجایم. خودم هم باورم نمی‌شود».

۲ دیدار تولیت با مردم، وقت ندارد

نگاهم به پنجره‌های قدی اتاق می‌افتد که رنگ قهوه‌ای تیره پرده‌اش، هارمونی عجیبی با فضای اطراف دارد. صدای زمزمه و دعا از بیرون می‌ریزد داخل اتاق. حال خوشی دارم. خودم حدس می‌زنم حس و حال آدم‌های منتظر آنجا هم شباهت زیادی به حس خوب من دارد. بودن بین آدم‌های آنجا را در این چهارشنبه زیارتی به فال نیک می‌گیرم. یک نفر که پوشش رسمی‌اش مشخص می‌کند از فعالان مجموعه آستان است، لیستی از میهمانان امروز به دستش است و من نفر آخری لیست هستم که با خودکار نوشته شده است. راهنمایی می‌شوم به اتاق مجاور. هیچ سخت‌گیری برای بازرسی نیست و تعجب می‌کنم. اتاق کناری، هادی غلامی نشسته است؛ مدیر امور مجاورین بنیاد کرامت آستان قدس رضوی، و یکی دو نفر دیگر؛ البته محمدجواد مشهدی، عکاس آستان قدس رضوی، هم آشنا درمی‌آید و منتظر حضور تولیت است.

ضلع بالایی مجلس، صندلی تولیت گذاشته شده است و چند صندلی کنارش برای مراجعان است. قبلا از یکی از فعالان فرهنگی آستان قدس رضوی شنیده‌ام دیدارهای مردمی حاج‌آقا برمی‌گردد به همان ماه‌های اول انتصابش و حتی در زمان کرونا هم تعطیل نشد و بعدها از زبان دیگران زیاد شنیدم که برخی دیدارهای سرزده آن‌ها از حاشیه شهر در سکوت خبری برگزار می‌شود و وقت و بی‌وقت در صحن‌های مختلف حرم تکرار می‌شود و صندلی می‌گذارند بین جمع و هرکه حرفی داشته باشد، رودررو بیان می‌کند. می‌دانستم که حوصله حاج‌آقا برای شنیدن و گوش دادن زیاد است. حالا فکر کنید این دیدار و قرار ملاقات برای سازمان‌ها و مجموعه‌های خاص شهرمان باشد که محل اقامت و اسکان و افرادی خاص است؛ مثل بچه‌های بی‌سرپرست و روستاهای اطراف و برای گره‌گشایی از آدم‌هایی که زیر این آسمان جز خدا کسی را ندارند.

رو به محمدجواد مشهدی به شوخی می‌گویم چند تا عکس بگیرید، دستتان گرم شود و هنوز حرفم تمام نشده، حاج‌آقا از در وارد می‌شود و همه به احترام بلند می‌شوند. به تجربه می‌دانستم وقت شناس است. از روحانی جماعت هم همین انتظار می‌رود. کنجکاوی نمی‌گذارد آرام بنشینم. با خودم می‌گویم اینجا حساب و کتاب همه چیز با خود امام رضاست و باز دلم غنج می‌رود که انتخاب شده این حضور هستم. با خودم چرتکه می‌اندازم: یعنی چند پرونده امروز به نتیجه می‌رسد؟ یعنی می‌شود پرونده من هم به امضا و تأیید شما برسد؟ حواس هیچ‌کدام از اطرافیان نیست ولی با هرعبارتی که روی برگه زیر دستم می‌نویسم، کیفم کوک‌تر می‌شود.

از همان استکان کوچکی که قاشق نقره‌ای داخلش، چشم نوازش کرده و مقابل حاج‌آقاست، برای من هم می‌گذارند و پرونده‌ها یکی یکی باز می‌شود و چندتایی مربوط به اراضی و املاک و تعیین تکلیف اجاره‌هایشان است. تولیت یک به یک و با حوصله حرف‌ها را گوش می‌دهد و مزاج می‌کند. بین آن‌ها یکی به نظر می‌رسد از خدام باشد. او برای تخفیف گرفتن قبور حرف می‌زند. تولیت می‌گوید از حالا خیلی زود است بروی سراغ مرگ و هر دو می‌خندند. گوشه پرونده‌های هرکدام چیزهایی یادداشت می‌شود. حالا نوبت مراجعان دیگر است که یک به یک وارد می‌شوند. فرصت ملاقات کوتاه است. باید نوبت به همه برسد، آن هم قبل از شروع اذان ظهر. بعضی‌ها یک نفره وارد می‌شوند و بعضی‌ها دونفره. غالبا دوست دارند جز شخص تولیت کسی حرف‌هایشان را نفهمد. اما زندگی سخت، قرار را از برخی‌ها گرفته است. زن بلند بلند حرف می‌زند. می‌گوید نمی‌دانم حق زدن این حرف را دارم یا نه اما «زندگی کردن کنار یک جانباز اعصاب و روان طاقتم را طاق کرده است. خانه به دوشی و اجاره، امانم را بریده است. از پس هزینه تحصیل دخترم برنمی‌آیم». حجت‌الاسلام والمسلمین مروی مثل همیشه، با صبوری و دقت گوش می‌کند و بعد آرام دعایی می‌کند. زن باگفتن این عبارت آرام‌تر می‌شود: «اجر و عزت شما پیش خدا محفوظ است». و بعد می‌گوید: ما به لطف حضرت دل‌گرمیم و به دعاهای شما.

معاون امور مجاورین بنیاد کرامت رضوی، دستور تولیت را برای پیگیری وضعیت اجاره محل سکونت زن و همچنین تأمین هزینه تحصیل دخترش یادداشت برمی‌دارد.

کسانی که برنامه را مدیریت می‌کنند، سعی می‌کنند وقت‌کشی نشود و نوبت به همه برسد.

حدسمان درباره کشاورز بودن پیرمرد سبزه‌رو درست درمی‌آید؛ اهل یکی از روستاهای اطراف مشهد است. حاج‌آقا را که می‌بیند، لبخند از محوطه صورتش بیرون می‌زند؛ کشدار و بلند و مظلومانه. معلوم است که خیلی از این فرصت به دست آمده خوشحال است. مبادی آداب و مقید به آداب و رسوم است. صندلی را پیش می‌کشد تا دختر جوان همراهش بنشیند و حاج‌آقا کارش را تحسین می‌کند؛ به‌ویژه وقتی که می‌فهمد دختر همراهش، عروس مرد است.

توی همان وقت کم حرفشان را می‌زنند و مقصودشان را می‌رسانند. دختر یک لیست دستش است از چیزهایی که برای عروسی‌اش لازم است و نمی‌تواند بخرد. انگار از ما خجالت می‌کشد و سرش را پایین می‌اندازد و آهسته می‌گوید وسعمان نمی‌رسد و همسرم کارگر است. چهار سال است منتظریم برویم زیر یک سقف ولی نمی‌شود که نمی‌شود. حاج‌آقا لیست را از دست دختر می‌گیرد و نگاهی به آن انداخته، به مزاح می‌گوید: چاقو برای چه می‌خواهی اول زندگی، خطرناک است باباجان! و همه با هم می‌خندیم و حاج‌آقا زیر پرونده می‌نویسد به زودی جهیزیه آماده شود و پشت بندش تأکید هم می‌کند. پیرمرد دست به سینه می‌گذارد و بلندبلند در حق تولیت دعا می‌کند و او یک کلام می‌گوید: این‌ها لطف امام رضای رئوف است نه من.

۳ هیچ‌کس دست خالی نمی‌رود

خودکار را با احتیاط روی کاغذ می‌چرخانم. از اینکه کسی نمی‌بیند چه می‌نویسم، ذوق می‌کنم. حرف‌های خصوصی نوشتن، لذت دارد. هر واژه‌ای که می‌نویسم، بغض روی بغض توی گلویم می‌نشیند: «دور شما بگردم آقا! یعنی من راهم به خوبی همین‌ها می‌بینید؟». یکی عطر هدیه می‌آورد و تقدیم می‌کند به حاج‌آقا. آشنا درمی‌آیند. تولیت حال اخوی آن‌ها را می‌پرسد و برای یکی از رفتگانشان طلب مغفرت می‌کند و بعد در عطر را باز می‌کند و روی لباس می‌زند و رو به جمع می‌گوید: این عطر سید معروف مشهد است. هدیه قشنگ حضرت در انتظار مراجعه‌کننده بعدی است؛ یک قاب بزرگ چوبی، پرچم حرم کاظمین می‌رسد به یکی از هیئتی‌های مشهد که برای مراسم شهادت امام جواد(ع) سنگ تمام گذاشتند. تولیت بلند می‌شود و درمیان صلوات پی‌درپی جمع، پرچم را می‌سپارد به دست‌های او و می‌خواهد که در مدح و منقبت مراسم ائمه(ع) مراقبت بیشتری کنند که مبادا از مسیر اصلی دور بیفتند. بوسه بر پرچم کاظمین، سعادت دیگری است که نصیب او می‌شود. او هم خداحافظی می‌کند و می‌گوید از دعا فراموشمان نکنید. اینجا کنار امام رضا(ع) وقت اذان است و زمزمه‌ها توی اتاق می‌پیچد. آخرین مراجعه‌کننده زنی است که همسرش بدهی مالی دارد و زندان است. تصورمان این است کودکی که در آغوش دارد، نمی‌گذارد بیشتر از این حرفش را ادامه دهد اما ارتعاش صدایش چیز دیگری می‌گوید. حالش را خوب می‌فهمم. گاه آن‌قدر زخم روی زخم می‌نشیند که آدم حال گپ زدن ندارد. حاج‌آقا چیزی می‌نویسد و تأکید می‌کند هرچه زودتر با ستاد دیه مذاکره و بدهی مالی همسر زن تسویه شود.

صدای اذان که بلند می‌شود، می‌روم گوشه صحن می‌ایستم. اینجا باب میل همه است؛ چه برای زودرنج‌ها و چه برای اشک بریزها و چه برای منزوی‌ها و خجالتی‌ها و آن‌هایی که زبانشان به وقت حرف زدن به لکنت می‌افتد و برای همه به اندازه کافی جا هست. هیچ‌کس، هیچ‌کس از اینجا دست خالی بیرون نمی‌رود. حالا فکر کن چهارشنبه باشد و روز زیارتی آقا(ع).

روی خط خبر

افزایش نرخ طلاق بین سالمندان

رئیس سازمان بهزیستی کشور با اشاره به رشد شتابان جمعیت سالمندان گفت: نرخ طلاق درمیان سالمندان افزایش یافته است و نسبت قابل‌توجهی از زنان سالمند تنها زندگی می‌کنند.

به گزارش مهر، سیدجواد حسینی، رئیس سازمان بهزیستی، بیان کرد: ما با یک تأخیر ساختاری در خدمات‌دهی به سالمندان مواجهیم که متناسب با نرخ رشد جمعیتی نیست. پیش‌بینی می‌شود تا سال ۱۴۳۰، حدود ۳۰ درصد از جمعیت کشور را سالمندان تشکیل دهند.

او ادامه داد: سریع‌ترین راه جبران این عدم‌تناسب، توسعه آموزش، توانمندسازی و به‌کارگیری مراقبان رسمی سلامت است.

حسینی همچنین به پدیده تنهایی سالمندان اشاره و یادآوری کرد: سالمندان در ایران نیز مانند سایر کشورها، با احساس انزوا و تنهایی مواجه هستند؛ به‌ویژه که نرخ طلاق درمیان سالمندان افزایش یافته است و نسبت قابل‌توجهی از زنان سالمند تنها زندگی می‌کنند.

او گفت: در حال حاضر تنها ۲۵ متخصص رسمی سالمندی در کشور داریم و این رقم در تناسب با جمعیت سالمند آینده نیست.

وی از رشد تعداد مراقبان رسمی سلامت در سال گذشته خبر داد و گفت: تعداد مراقبان از ۱۳۹ نفر در سال ۱۴۰۳ به ۸۴۰ نفر افزایش یافته است و در سال جاری به بیش از ۳ هزار نفر خواهد رسید.

رئیس سازمان بهزیستی کشور همچنین از راه‌اندازی آموزشگاه‌های تخصصی با همکاری مدارس در نوبت عصر خبر داد و اعلام کرد: طرحی در دست اقدام است که در آن سالمندان، مراقبان غیررسمی و خانواده‌ها آموزش ببینند.

اعلام شهریه‌های جدید مدارس غیردولتی تا هفته آینده

رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی وزارت آموزش‌وپرورش گفت: تا هفته دیگر نرخ شهریه مدارس غیردولتی، ابلاغ خواهد شد.

احمد محمودزاده در گفت‌وگو با ایسنا یادآوری کرد: در حال حاضر خانواده‌ها در ثبت‌نام دانش‌آموزان خود مشکلی ندارند و قرار بر این است که با نرخ شهریه سال گذشته، پیش‌ثبت‌نام‌ها انجام شود.

او ادامه داد: الگوی تعیین شهریه مدارس غیردولتی، ابلاغ شده است و مدارس نیز بارگذاری کرده‌اند. فقط تعیین نرخ نهایی شهریه باقی مانده که با همکاری دستگاه‌های نظارتی این کار در حال انجام است.

رئیس سازمان مدارس غیردولتی پیش‌تر اعلام کرده بود: میزان افزایش شهریه مدارس غیردولتی، مشروط به ارتقای کیفیت آموزشی‌وپرورشی در این مدارس است. در این راستا، نظارت جدی بر فعالیت‌های این حوزه در مدارس غیردولتی می‌شود.

خدمت در حوزه جوانی جمعیت

مدیرعامل بنیاد برکت ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره)، با اشاره به حمایت این بنیاد از زوج‌های جوان تصریح کرد: سال گذشته هزار و ۷۵۶ سری جهیزیه به ارزش ۷۳ میلیارد تومان اهدا شده که تعداد کل جهیزیه‌های توزیع‌شده از ابتدای این طرح را به ۱۱ هزار و ۱۱۱ سری رسانده است.

سیدامیرحسین مدنی در گفت‌وگو با ایسنا، بیان کرد: امسال ۵ هزار و ۹۳۸ سری سیسمونی نوزاد به ارزش ۶۰ میلیارد تومان توزیع شد.

مدنی همچنین از ارائه بیش از ۳۷ هزار خدمت در راستای حمایت از خانواده‌ها و زوج‌های جوان خبر داد و گفت: بنیاد برکت با اجرای طرح‌های متنوع در حوزه جوانی جمعیت، گام‌های جدی و مؤثری برای تسهیل تشکیل خانواده و فرزندآوری برداشته است.

به گفته وی، امسال بیش از هزار زوج نابارور تحت پوشش خدمات درمانی بنیاد برکت قرار گرفته‌اند و در این حوزه بالغ بر ۱۵ میلیارد تومان هزینه شده است.

وی افزود: درمان ناباروری یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های زوج‌های جوان است و بنیاد برکت تلاش کرده است با تأمین بخشی از هزینه‌های درمان، مسیر پدر و مادر شدن را برای آن‌ها هموارتر کند.

مدیرعامل بنیاد برکت همچنین به اقدامات سال جاری بنیاد برکت در حوزه طرح جوانی جمعیت اشاره کرد و گفت: درمان ناباروری ۲ هزار نفر به ارزش ۴۰ میلیارد تومان در دستورکار قرار گرفته است.

وی ادامه داد: تامین ۱۰ هزار سیسمونی به ارزش ۱۰۰ میلیارد تومان و ۲ هزار و ۳۰۰ فقره جهیزیه به ارزش ۱۵۰ میلیارد تومان هم امسال توسط بنیاد برکت در دستورکار قرار گرفته است.

عدد خبر

پرداخت ۹۰ درصدی هزینه‌های ناباروری

۹۰ درصد از هزینه‌های ناباروری را بیمه سلامت می‌پردازد. مدیرعامل سازمان بیمه سلامت ایران با اشاره به اینکه ۱۱۸ هزار زوج نابارور در سامانه بیمه سلامت شناسایی و نشان‌دار شده‌اند، گفت: پوشش تعرفه‌ای هزینه خدمات درمان ناباروری تحت پوشش بیمه سلامت در مراکز دولتی دانشگاهی، ۹۰ درصد تعرفه دولتی است.

محمدمهدی ناصحی در گفت‌وگو با تسنیم و با تشریح جزئیات خدمات سازمان متبوع خود در حوزه ناباروری گفت: پوشش تعرفه‌ای هزینه خدمات درمان ناباروری تحت پوشش بیمه سلامت در مراکز دولتی دانشگاهی ۹۰ درصد تعرفه دولتی، در مراکز عمومی غیردولتی ۹۰ درصد تعرفه عمومی غیردولتی و در بخش‌های خصوصی ۷۰ درصد تعرفه این بخش است.

او ادامه داد: داروها، آزمایش‌ها، تجهیزات پزشکی و خدمات آزمایشگاهی مرتبط با درمان ناباروری نیز با پوشش ۹۰ درصدی ارائه می‌شوند و حتی ۶۶ قلم دارو و ۷ قلم تصویربرداری نیز در این مجموعه قرار گرفته‌اند. ناصحی تصریح کرد: تمامی زوجین نابارور و مادران باردار فاقد بیمه، با انجام ارزیابی وسیع، می‌توانند تحت پوشش بیمه سلامت قرار گیرند. این موضوع شامل فرزندان زیر پنج سال آن‌ها نیز می‌شود.

او یادآوری کرد: زایمان طبیعی در مراکز دولتی دانشگاهی، کاملا رایگان است و در سایر مراکز نیز تا ۹۰ درصد هزینه‌ها پوشش داده می‌شود. همچنین در راستای کاهش زایمان‌های غیرضروری، سزارین‌های بدون اندیکاسیون از تعهدات بیمه‌ای خارج شده‌اند.